

بررسی نقد نشانه‌شناسی نفثه المصدور با تأکید بر نشانه‌شناسی اجتماعی و بلاغی

نسرین قلاوند

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول

چکیده

نشانه‌شناسی، علم بررسی نظام‌های نشانه است. کارکرد این علم غنی‌سازی خوانش و یا کمک به خوانش ثانوی متن است؛ چرا که ابزاری غنی در اختیار خواننده می‌گذارد که از طریق آن می‌توان در بافت‌های داخلی یا ساختاری‌های مختلف یک متن وارد شود. نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌بند زبان با بررسی نشانه‌ها است و به نحوه دلالت نشانه‌ها و کاربردشان می‌پردازد. نفثه المصدور کتاب واگویه‌های دل‌دردمند نویسنده یا «مویه‌های غریبانه» شاعر شوربخت سیه‌روزی است که در قرن هفتم، زیباترین نثر شاعرانه را، که سرشار از لطافت و نازک خیالی است، سروده است بی‌اینکه قصد گفتن شعر داشته باشد و بداند که پس از هفت قرن کسانی خواهند آمد که همان‌گونه شعر می‌گویند که وی نثر دل‌انگیز خود را نوشته است. در این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است برآنیم که نشانه‌های اجتماعی و بلاغی را در نفثه المصدور اثر شهاب‌الدین محمد خرندزی نسوی تبیین کنیم. در ابتدا گذری به تعاریف علم نشانه‌شناسی و کارکرد آن و سپس به مبحث اصلی می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: نقد نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی اجتماعی، نشانه‌شناسی بلاغی، نفثه المصدور، زیدری

مقدمه

نشانه‌شناسی علم مطالعه نشانه‌هاست، با مطالعه نشانه‌ها می‌توان معانی پنهان در هر نشانه را شناسایی کرد و همچنین از ارتباط بین نشانه‌ها پرده برداشت. نشانه‌شناسی از مباحث مهم ادبیات، زبان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، هنر، سیاست و ... به شمار می‌رود که به بررسی فرایند پیدایش نشانه‌ها، نحوه دلالت آن‌ها و کاربردشان می‌پردازد. شناخت نشانه‌شناسی، همین‌طور که منجر به گشودن افق‌های تازه در پژوهش می‌شود، حس انتقادی پژوهشگر را نیز افزایش داده و دایره توجهات او را گسترش می‌دهد، به گونه‌ای که سبب می‌شود، پژوهشگر به پدیده‌های گوناگون ادبی، اجتماعی و... با تعمق و ژرف نگری بنگرد و با پیگیری نشانه‌ها در پی دست یافتن به مضامین موجود در آنها باشد.

در علم یا نظریه نشانه‌ها، نشانه در واقع نظامی از معناست شامل دو جزء دال و مدلول دال، هر بُعد ملموسی است که محمل مادی معناست. مدلول، بُعد انتزاعی آن معناست. رولان بارت در این زمینه مثال گل رز را می‌زند: رز سرخ، بُعد مشخصی است که در بسیاری از فرهنگ‌ها نشانه عشق پرشور و رمانتیک است. (اندرسون و لینگ، ۲۰۰۶: ۸) اینرو، نشانه‌شناسی در پی کشف معانی و رمز واژه‌ها و تصاویر است.

یکی از شاهکارهای بدیع قرن هفتم هجری که در روزگار هجوم تاتار و جنگ‌گریزهای آن عصر نوشته شد، کتاب نفثه المصدور می‌باشد که مؤلف این اثر، شهاب‌الدین محمد خرندزی زیدری نسوی است. وی بعد از قتل سلطان جلال‌الدین و پس از مدتی آوارگی در سرزمین‌های آسیای صغیر و آذربایجان به شهر میافارقین نزدیک مسعود شهاب‌الدین غازی، از سلاطین کرد ایوبی می‌رود و در کتاب خود، به واگویی‌های درونی پرداخته، لطامات و آسیب‌ها و زجرهایی را که در غربت از دست کسان بسیاری چشیده و همچنین رنج و سرگردانی‌های خود را در کتاب نفثه المصدور می‌نویسد، همان‌طور که از نام کتاب مشخص است «نفثه المصدور» به معنای خلطی است که مبتلا به درد سینه، از سینه بیرون می‌افکند و مجازاً به سخنی اطلاق می‌شود که از اندوه و شکایت و ناله و تأملات درونی برمی‌خیزد و گوینده با بیان آن آسایش می‌یابد.

در این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است برآنیم که نشانه‌های اجتماعی و بلاغی را در نفثه المصدور اثر شهاب‌الدین محمد خرندزی نسوی تبیین کنیم. در ابتدا گذری به تعاریف علم نشانه‌شناسی و کارکرد آن و سپس به مبحث اصلی می‌پردازیم.

نشانه و نشانه‌شناسی

ساده‌ترین تعریف نشانه عبارت است از: مجموعه‌ای دوگانه متشکل از یک مفهوم و یک صورت آوایی، برخلاف آنچه که برخی ادعا می‌کنند، منظور از نشانه رابطه بین یک جسم مادی و یک اسم نیست، بلکه موجودیت نشانه را باید در رابطه بین یک مفهوم و یک صورت آوایی جست. ترکیب مفهوم و صورت آوایی مجموعه‌ای به نام نشانه را به وجود می‌آورد. (دینه سن، ۱۳۸۹: ۲۶).

نشانه‌شناسی به صورت علی و دقیق مبحث دلالت، در منطق صوری است. در این منطق، دلالت عبارت از بودن شیء است به نحوی که از علم به آن، علم به چیزی دیگر حاصل می‌شود. (خوانساری، ۱۳۵۹: ۵۷) به سخن دیگر دلالت که به معنای راهنمایی و هدایت است به رابطه دال، در راهنمایی کردن مخاطب به مدلول، اشاره دارد. از آن‌جا که «منطق» را دانشی می‌دانستند که راه و روش درست فکر کردن را به انسان می‌آموزد، ناگزیر به سراغ نشانه‌هایی می‌رفتند که پایه و اساس اندیشیدن است. اما از آن‌جا که نشانه‌ها یا علایمی که آدمی می‌تواند به وسیله آن‌ها دریافت‌هایش را به دیگری انتقال دهد، بسیار است

یک نشانه قراردادی به معنی نشانه‌های زبانی را به عنوان مهم‌ترین و مناسب‌ترین ابزار برای اندیشیدن و انتقال اندیشه انتخاب می‌کردند؛ زیرا به راستی بدون نشانه‌های زبانی نه می‌توان اندیشید و نه می‌توان اندیشه را به دیگری انتقال داد. اما علمای منطق برخلاف زبان‌شناسان می‌گفتند: «غرض از بحث اصلی منطقی درباره معنای است، نه الفاظ، اما برای رسیدن به معنای از بحث الفاظ چاره‌ای نیست.» (مظفر، ۱۴۰۴ ه. ق: ۳۵)

بنابراین آنان در بحث «دلالات»، ابتدا به هر علامت و نشانه‌ای که بتواند کسی را به چیزی جز خودش راهنمایی کند، اشاره کردند و دلالت راه، در یک حصر منطقی، به سه گونه عقلی (دلالت دود بر آتش)، طبیعی (دلالت بر بیماری) و وضعی یا قراردادی (دلالت لفظ درخت بر خود درخت)، تقسیم کردند. آنان از دلالت وضعی که در آن به سبب وضع یا قرارداد، و نه عقل و طبع می‌توان چیزی را به جای چیزی دیگر به کار برد، به وضع و قرارداد در زبان رسیدند و دلالت الفاظ بر معانی را مطرح کردند. ایشان با تأملی بیش‌تر بر طرز کارکرد لفظ در انتقال معنا، دلالت لفظی را به سه گونه مطابقی، تضمینی و التزامی تقسیم کردند. با توجه به این داده‌ها منطق صوری، می‌توان بر آن بود که نشانه‌شناسی، در مفهوم زبان‌شناختی آن، از دل همین بحث‌های منطقی که به تدریج علمی‌تر شد، بیرون آمد.

اصطلاح نشانه‌شناسی را فردینان دوسوسور، پدر زبان‌شناسی نوین، به جای بحث‌های منطقی پیشین به فرهنگ بشری افزود. او «که زبان‌شناسی را بخشی از علم نشانه‌شناسی آینده می‌انگاشت، آرای خود را بر پایه مفهوم نشانه، بنا کرد.» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۷)

سوسور رابطه میان دال و مدلول را نه ساده؛ بلکه بسیار پیچیده و دشوار می‌دانست و با نقد این باور که زبان «در جوهر اصلی خود تنها تباری از واژه‌هاست؛ یعنی فهرستی از اصطلاحاتی که هر یک از آن‌ها معادل چیزی در جهان خارج است» (سوسور، ۱۳۷۸: ۹۵)، گفت «نشانه زبانی نه یک شیء را به یک نام؛ بلکه یک مفهوم را به یک تصویر صوتی پیوند می‌دهد.» (همان: ۹۶) به سخن دیگر به باور او دال یا نشانه مفهومی است که به صورت قراردادی یا نمادین به مفهوم، موضوع یا مصداقی در جهان خارج دلالت می‌کند و این دال یا نشانه چه عینی و چه انتزاعی، بیرون از نظامی که در آن به کار رفته، معنایی ندارد به سخن بهتر «هر نشانه در چهارچوب یک نظام نشانه‌ای، معنا دارد.» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۱۹)

همچنان که در بحث منطقیون هم دیدیم، جهان پر از نشانه‌هایی است که با پذیرش یک قرارداد اجتماعی، بالقوه می‌تواند به جای چیز دیگری به کار رود. به گفته آمبرتواکو «نشانه تمامی آن چیزهایی است که بر پایه قراردادی اجتماعی و از پیش نهاده، چیزی را به جای چیز دیگر معرفی می‌کند.» (احمدی، ۱۳۷۱: ۳۲) به تعبیری دیگر، «نقش نشانه این است که چیزی دیگر را بازنمایی می‌کند.» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۱۸)

این نشانه، همچنان که دیدیم، قراردادی است، زیرا هیچ رابطه ذاتی‌یی میان نشانه و معنای آن وجود ندارد. به این اعتبار هر نشانه یک رویه محسوس و مشخصی دارد که بدو با آن مواجه می‌شویم و به آن دال می‌گوئیم و یک رویه پنهان و نامحسوس و ذهنی، که قرار است از طریق آن به مدلول پی ببریم. مثلاً وقتی دال یا نشانه «درخت»، در غیاب درخت، بیان می‌شود در ذهن کسی که به رابطه قراردادی لفظ درخت و چیزی که واقعاً و در جهان خارج درخت است، آگاه باشد، تصور یا تصور تجریدی درخت نقش می‌بندد و بدین ترتیب گوینده و مخاطب او ارتباط برقرار می‌کند. بنابراین در تمام زبان‌ها، نشانه‌ها، بدون در نظر گرفتن نقشی که به عهده دارند، به کار نمی‌روند.

بنابراین می‌توان گفت نشانه‌شناسی، که علم نشانه‌هاست، وظیفه‌اش «مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید، تفسیر یا در فرایند دلالت شرکت دارند.» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۲۶)

هدف این علم کشف مناسبتی میان دال یا نشانه است، یا مفهومی که مخاطب از رهگذر آن نشانه، مستقیماً یا از طریق تعدیل نشانه، دریافت می‌کند. (ر.ک. احمدی، ۱۳۸۴: ۶).

نشانه‌شناسی باید دارای دو اساس و بنیان باشد؛

۱. تئوری معنا که در آن به تفسیر شرایطی پرداخته می‌شود که معناها را می‌سازند و به ساختار اولیه دلالت مربوط می‌شود.
۲. دستور زبان که به ریخت‌شناسی و نحو نظام‌ها می‌پردازد. lambropoulos and miller, 1987: 309-307 دال و مدلول نشانه را تشکیل می‌دهند. رابطه نشانه با واقعیت بیرونی خود، دل‌بخوایی است. (Castle, 2007: 321)

نقد نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی درصدد است خود را به نظم و دقت فلسفی و ریاضی نزدیک سازد. تحلیل‌های ریاضی‌وار، گزاره‌ها و نظریاتی انتزاعی و شبه منطقی که در تجزیه و تحلیل رویکرد نشانه‌شناسی به کار می‌روند، از این دست هستند. گاهی این رویکرد ریاضی‌وار و فلسفی‌گونه، دریافت نظریات نشانه‌شناسانه را دشوار می‌کند. چنین دشواری میل و ذوق خواننده را در درک و فهم دقیق مبانی نشانه‌شناسی، پس می‌زند؛ چرا که خوانند مایل است با تمام داشته‌های ذهنی و سپهر اندیشه خود با متن مواجه شده به تجزیه، تحلیل و لذت ادبی بپردازد. نشانه‌شناسی گاهی در تحلیل‌ها و قواعد خشک خود به این افق میدان نمی‌دهد. از سوی دیگر هیچ تحلیل نشانه‌شناختی جامعی وجود ندارد؛ زیرا همه تحلیل‌ها، تاریخی و اجتماعی‌اند. (چندلر، ۱۳۹۷: ۳۰۷). بنابراین تحلیل‌های نشانه‌شناختی در این ویژگی از الگوی علمی و ریاضی‌وار خود دور می‌شوند و ویژگی ادبی و غیر قابل انکاری خود را از دست می‌دهند.

نشانه‌شناسی به هم زمانی میل دارد و تغییرات زمانی و تاریخی را در نظر نمی‌گیرد در تحلیل‌ها ساخت‌گرا ویژگی متون نادیده انگاشته می‌شود. از سوی دیگر منتقدان، بینامتنیت نشانه‌شناسی را نقد کرده‌اند. ویژگی‌های سبکی نیز در یافتن ژرف ساخت که دغدغه پراپ، گرماس و استروس است، وا نهاده می‌شود.

گاهی تحلیل‌های نشانه‌شناسی ذهنی است و با ابهام همراه است. تفسیرهای تفسیرگران می‌توانند ابزار قدرت نمایی شوند و باعث دوری مخاطب گردند. نشانه‌شناسی می‌تواند با دسته‌بندی فراوان پریشان شوند و در رویکرد ساختارگرا، خصوصاً با تکیه بر لانگ، کاربری‌های اجتماعی را کم اهمیت جلوه داده، به جبرگرایی اجتماعی منجر شود. در میان نشانه‌شناسان درباره حوزه و روش، توافق اندکی وجود دارد. بسیاری نشانه‌شناسی را نظریه استعماری می‌پندارند؛ چرا که نشانه‌شناسان همه رشته‌های دانشگاهی را موضوع نشانه‌شناسی می‌دانند. از منظری دیگر رویکرد نشانه‌شناسی تحولی جدید در بررسی متون ادبی است. با این روش بسیاری از ظرفیت‌های پنهان متون آشکار می‌شود و مسلم است، تحلیل‌های نشانه‌شناختی در معرفی و ماندگاری متون، در افق فرهنگی جوامع مختلف مؤثر بوده است.

این تحلیل‌ها افق‌های گوناگونی را در لذت ادبی گشوده است و به مخاطبان متون نشان داده است که همیشه شیوه‌های جدید برای درک و لذت‌ادبی و فرهنگی در راه است. رویکرد نشانه‌شناسی بعضی از پرسش‌ها را دقیق‌تر پاسخ می‌دهد.

نشانه‌شناسی به شناختن قدرت‌های پیرامون خویشتن ما کمک می‌کند. به کمک نشانه‌شناسی به نقش نشانه‌ها در ساختن هویت‌های فردی و اجتماعی پی می‌بریم. پی بردن به این نقش به ما کمک می‌کند تا با توجه به اهداف شخصی و اجتماعی از قدرت نشانه‌ها در بیرون و درون خود بکاهیم، بیافزاییم و یا آن را اصلاح کنیم. نشانه‌شناسی هیچ رسانه‌ای را از دیگر رسانه‌ها

کم ارزش تر نمی‌داند. آنهایی که نمی‌توانند نشانه و نظام نشانه‌ها را درک کنند کنترل خود را به دیگران واگذار می‌کنند. (ر. ک. همان، ۳۱۸-۳۰۷).

کارکرد نشانه‌شناسی

رویکردهای گوناگونی برای تحلیل متن وجود دارد، از جمله تحلیل بلاغی، تحلیل محتوایی و... نشانه‌شناسی یکی از رویکردهای جدید تحلیل متن است. برخلاف تحلیل محتوایی که از روش‌های کمی بهره می‌گیرد در نشانه‌شناسی، متن به مثابه کلیت‌هایی ساختمان‌مند در نظر گرفته می‌شود و به دنبال معناهای پنهان و ضمنی آن است. «مطالعات نشانه‌شناختی بر نظام قواعدی که بر گفتمان‌های درگیر در متون حاکم‌اند، تمرکز دارد و به نقش بافت نشانه‌شناختی در شکل‌دهی معنا تأکید می‌کند» (چندلر، ۱۳۹۷: ۲۹).

از نظر سیبیاک هدف اولیه نشانه‌شناسی، شناخت انواع و گونه‌ها در تولید و درک نشانه‌ها و نیز استفاده از نشانه‌ها برای طبقه بندی و شناخت جهان است. اولی نشانگی و دومی بازنمون نام دارد. از نشانه‌شناسی می‌آموزیم که در جهانی از نشانه‌ها زندگی می‌کنیم و هیچ راهی برای فهم چیزها جز از طریق نشانه‌ها و رمزگانی که آن چیزها در آن سازمان یافته‌اند، نداریم. نشانه‌ها در تعیین دادن به واقعیت، کارکردهایی ایدئولوژیک دارند. نظر کردن از مطالعه نشانه‌ها باعث می‌شود که به دیگران اجازه دهیم جهان معناهایی را که ساکن آن هستیم، تحت کنترل خود بگیرند.» (چندلر، ۱۳۹۷: ۳۸).

نشانه‌شناسی به ما کمک می‌کند که بدانیم چگونه به درک از خود می‌رسیم. به واسطه نشانه‌شناسی در کنار تشخیص شباهت های موجود میان رسانه‌های مختلف، توجه ما به تفاوت‌های موجود میان آنها نیز جلب می‌گردد و این امر موجب می‌شود که از امتیاز بخشیدن بعضی از انواع رسانه‌ها نسبت به بقیه دوری کنیم برای مثال وجه رسانه‌ای گفتار را بر نوشتار یا کلامی را بر غیر کلامی ترجیح ندهیم. (همان، ۳۱۷).

نفته‌المصدر

نفته‌المصدر کتابی است که شهاب‌الدین محمد خرنذری نسوی منشی جلال‌الدین خوارزم شاه (۲۸-۶۱۷ه.ق در واویلاي «کشتن‌ها و سوختن‌ها و بردن‌های» مغولان و در روزگار در به‌دردی و خانه به دوشی خویش آن را در سال ۶۳۲ ه.ق. یعنی چهار سال پس از قتل جلال‌الدین نوشته است. شهاب‌الدین در این کتاب از حوادث هولناک سال‌های آخر عمر پادشاه نگون-بخت، جلال‌الدین یاد می‌کند؛ از هنگامی که وی در سال ۶۲۷ ه.ق. از سوی این پادشاه برای گرفتن خراج به دژ «الموت» می‌رود و سپس از یورش تاتار و جداسدن او از پادشاه و قتل جلال‌الدین به دست کردها و آوارگی خودش در شهرهای گوناگون و سرانجام پناه بردن به دربار شاهان «ایوبی» و ماندگاری نزد ایشان به کوتاهی سخن می‌گوید. روی سخن و یا در واقع آماج گله هایش یکی از بزرگان خراسان به نام «سعدالدین» است.

نثر این کتاب نه تنها با شعر برابری می‌کند؛ بلکه بر شماری از شعرهای کهن و نو، هم از جهت جوهره شعری و هم به دلیل نظم موسیقایی و آرایه‌های ادبی بسیاری که در آن به کار رفته است، برتری بسیار دارد. از اینرو آن را با هیچ کدام از نوشته های مسجع و نثرهای فنی نمی‌توان مقایسه کرد؛ زیرا با وجود آرایه‌های ادبی و توصیف‌های شاعرانه در نثر فنی، احساسات و عواطف انسانی، آن هم بدین ژرفی در آنها میدانی برای خودنمایی نیافته است.

این کتاب نخستین بار به همت عباس اقبال آشتیانی در سال ۱۳۰۷ و سی و پنج سال بعد به اهتمام امیرحسن یزدگردی با تصحیح انتقادی همراه با توضیحات و فرهنگ واژگان به چاپ رسید، اما تاکنون به شایستگی شناخته نشده است.

نشانه‌شناسی اجتماعی در نفثه المصدور

نشانه‌شناسی اجتماعی به عنوان یکی از زیر شاخه‌های نشانه‌شناسی، رویکردی است که بر مباحثی چون هویت، آداب معاشرت، فرهنگ و اجتماع تأکید و تمرکز دارد. نشانه‌های اجتماعی هر جامعه بیان‌کننده موقعیت اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، عقیدتی و ... در بافت آن جامعه است.

جامعه نظامی است از روابط میان افراد، موقعیت افراد و گروه‌ها در دل یک اجتماع که باید در یک چارچوب نشانه‌هایی بیان شود. نشانه‌ها و شاخص‌ها همین نقش را بر عهده دارند و بیانگر تعلق شخص به یک مقوله اجتماعی مانند کلان، خانواده، شغل، انجمن و غیره است. زندگی اجتماعی بازی است که هر فرد نقش خود را در آن بنا می‌کند از سوی دیگر نشانه‌شناسی اجتماعی نشانه‌هایی است که مبنی بر مشارکت است. فرد به وسیله همین نشانه است که هویت خود و تعلق خود به گروه را آشکار می‌کند، اما در عین حال او مدعی آن هم هست و آن را نهادینه می‌کند. (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۱۶).

نشانه‌شناسی اجتماعی، یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی، رویکردی کاربردی است که به دنبال معنی‌سازی و تفسیر در بستر اجتماع و فرهنگ است. مایکل هلیدی را می‌توان یکی از مؤثرترین افراد در زمینه نشانه‌شناسی اجتماعی دانست که به معرفی این علم پرداخت.

علم نشانه‌شناسی به نشانه‌های موجود در انواع نظام‌های آوایی، لغوی و معنایی می‌پردازد؛ اما تنها به این نشانه‌ها محدود نمی‌شود؛ بلکه این دانش به گونه‌ای با هنر رقص مرتبط است؛ بدین گونه که ارتباطات میان افراد تنها به نوشتار و گفتار محدود نمی‌شود، بلکه به شیوه‌های گوناگون از جمله نظام خوراک، نظام اطوار (انواع رفتارهای غیرکلامی)، نظام پوشاک و سایر نظام‌های نشانه‌های فرهنگی با یکدیگر در ارتباط هستند. (چاپلی، ۱۳۸۴: ۶۹). این بخش از ارتباطات که نشانه‌شناسی بدان می‌پردازد، در یکی از رویکردهای جدید نشانه‌شناسی به نام نشانه‌شناسی اجتماعی مطرح است.

سوسور نشانه‌شناسی را علم بررسی نشانه‌های منفرد نمی‌دانست بلکه آن را علم بررسی نظام‌های نشانه‌ای می‌خواند که این امر روشن می‌کند نشانه‌ها پدیده‌هایی اجتماعی‌اند. نشانه بیرون از نظام نشانه‌ای بی معنی است و تلقی کارکردی بیرون از زندگی اجتماعی برای نظام‌های نشانه‌ای به همان اندازه بی‌ربط است. (سجودی، ۱۳۹۵: ۴۱)

انسان‌ها که در یک جامعه زندگی می‌کنند و مسلماً به بقیه افراد جامعه در ارتباط هستند و از طریق ارتباط، خود را به همدیگر معرفی می‌کنند و این ارتباط از طریق نشانه‌هایی چون لحن کلام، اطوار و حالات و غیره شکل می‌گیرد.

نشانه‌شناسی لحن کلام، گفتگو

لحن، نحوه خواندن و بیان کردن جملات است با توجه به شرایط موجود در فضای حاکم بر جمله و کل متن. افراد در گفت و گوهای روزمره و در موقعیت‌های مختلف از لحن‌های متفاوتی استفاده می‌کنند.

راهنماها یا نشانه‌های بیانی چون لحن، منبع بسیاری از تعبیرها و تفسیرها است که ما از لحن صدای طرف مقابل خود، نوعی مخالفت و یا احساس ناخوشایندی را نسبت به خود دریابیم یا بالعکس. ما نسبت به احساس او که در قالب لحن صدا تبلور

یافته است واکنش نشان می‌دهیم وگرنه خود کلام در بسیاری از مواقع بسیار خوشایند و مودبانه است و اگر توأم با لحنی مناسب نیز باشد شاید خیلی دوستانه نیز جلوه کند. (محسنیان راد، ۱۳۸۴: ۲۴۳).

زیدری به تناسب موقعیت‌هایی که در آن قرار داشته، از لحن‌های متفاوت و ویژه‌ای استفاده کرده است. آنجا که از وقایع حمله مغول سخن می‌راند، با لحنی ناامید، رنگی پریده و بیزار به توصیفات خود می‌دهد:

«نه دست ستیز مانده نه پای گریز، دست از پای بازداشتند. پریچهران ماه پیکر و بتان خرگاه نشین را به دیوان سیاه روی و عفاریت زشت منظر رها کرد ... احوال محشر و احوال رستاخیز.» (زیدری، ۴۳).

و جایی که از فراق ممدوح خود شکوه سر می‌دهد، لحن او شکایت توأم با رضا و تسلیم است؛ با این حال، کوچک ترین حرف نامربوط را نسبت به سرور خویش بر نمی‌تابد. لحن او هنگام توصیف فراق یاران نیز آمیخته با حزن و اندوهی جانکاه است که خواننده را با خود همراه می‌سازد و در جان او نیز تأثیری شگرف می‌نهد:

«و الحق، من بنده از حرقت فرقت دوستان و احباب و ضجرت هجرت یاران و اصحاب چندان بار محنت بر دل نهاده بودم ... که اندیشه خورد و خواب و طعام و شراب، اگر به مدت نیز دور کشیدی و زمان نیک دراز گشتی، بر خاطر نگذشتی و پیرامون ضمیر نگشتی» (همان، ۵۸).

زمانی که از ظلم وجود یاغیان و فرصت طلبان سخن می‌گوید لحنی کوبنده و تحقیر آمیز دارد:

«خلالات ثغور از بن دندان گرسنگان برکند و به پیش خورد سگان تاتار ... دهان بیالود» (همان، ۴۳).

و در جایی نیز لحن او تحقیر آمیز و خوارکننده است و از لحن کوبنده خود نیز برای افشای حقایق ابایی ندارد: مذلت چارپایی بسیار کشید تا از منزلت خری فراتر آمده» (همان، ۷۶).

«صاحب دیوان ممالک ... تا این سفیه نبیه شود و این بی مایه به پایه ای رسد، از قضا به جوار رحمت حق پیوسته شد.» (همان، ۷۷).

زیدری اگرچه از گفت و گوی مستقیم به شکل واقعی در کتاب خود بهره نبرده و شیوه روایی او، دانای کل نیست و از زبان شخص وی روایت شده؛ در بعضی از قسمت‌های کتاب با آوردن گفت و گو به گسترش پیرنگ و نمایش درونمایه و معرفی شخصیت‌ها در جهت پیشبرد کنش‌های داستانی کمک کرده است. این روش به کمک آوردن ابیات و به طریق ارداد و تسهیم و مناظره و رد و ابطال کلام مخاطب و نیز در بسیاری موارد به زبان عربی صورت گرفته است، گویی دو طرف مناظره عرب بوده اند. (زیدری، ۱۳۸۱: ۲۰).

دیگری به طعنه می‌گفت:

نعمه الله لا تعاب ولكن ربما استقبحت علی اقوام

همچنین چه اگر آن خداوند که روزنامه وفا را از اخلاق او برگیرند، از سیاه روزی من: «یا لیت بینی و بینک بعد المشرقین فبئس القرین» می‌خواند، باری من به هر مقام که هستم: «اری ان داراً، لست من اهلها قفر» خواهم خواند. (همان، ۱۱۸).

نشانه‌شناسی کنش شخصیت‌ها

شخصیت در یک اثر روایی یا نمایشی فردی است دارای ویژگی‌های اخلاقی و ذاتی که این ویژگی‌ها از طریق آن چه انجام می‌دهد (رفتار) و آن چه می‌گوید (گفتار) نمود می‌یابد و این نمونها می‌تواند نشان دهنده یک جریان اجتماعی، یک عقیده و یا

ایدئولوژی، فرهنگ و یا نماد یک نوع تفکر غالب در طبقه خاصی از اجتماع باشد. کیفیت روانی و اخلاقی و رفتاری شخصیت‌ها می‌تواند از نظر نشانه‌شناسی با اهمیت باشد.

شخصیت اصلی این داستان خود زیدری مؤلف نفته‌المصدر منشی سلطان جلال‌الدین منکبرنی است. او در پی اجرای اوامر سرور خویش و جهت به سامان رساندن اوضاع آشفته از سوی سلطان پی در پی برای گزاردن اموری مهم گسیل می‌گردد. زیدری مورد وثوق سلطان و از معتمدان او است که به علت شغل مهم خویش در دربار سلطان دوستان و آشنایانی نیز فراهم آورده است و از جمله آنها ملک مظفر ایوبی است که مؤلف سرانجام برای رهایی از آن همه جنگ و گریز به او پناهنده می‌شود و در سرزمین او مأمن می‌گیرد علاوه بر شخصیت اصلی، شخصیت‌های فرعی دیگری نیز در کتاب دیده می‌شوند که به پیشبرد اهداف کتاب کمک می‌کنند. آنها به سه دسته منفی و مثبت و خنثی تقسیم می‌شوند.

زیدری با استفاده از بیان آهنگین خویش به توصیفات رفتار و روحيات آنان می‌پردازد و چهره‌شان را ترسیم می‌کند یکی دو جا نیز به شخصیت‌های خنثی اشاره ای گذرا می‌کند که به حق سابقه مؤالفت با وی، نام آنان در این کتاب آورده شده است.

نشانه‌شناسی فضا و مکان

با مطالعه بسامد مکان‌های جغرافیایی کتاب، می‌توان تا حدودی به این نتیجه رسید که اغلب این کشمکش و جنگ و گریزها و اتفاقاتی که برای زیدری پیش آمده است در غرب، به ویژه شمال غربی ایران، رخ داده است. در کتاب به مکان‌هایی چون الموت، موغان اخلاط، زنجان، اربیل، بیلقان، گنجه، تبریز، ارومیه، خوی ... و یکی دو جا نیز به اسم زیدری، منشأ و مولد زیدری و از توابع خراسان، اشاره شده است.

نشانه‌شناسی اعتراض به تقدیر و قضا

قضا در لغت به معنی علم حق است به آن چه می‌آید بر احسن نظام و آن، عبارت از حکم الهی است در اعیان موجودات بر آن نحو که هست از احوال جاری از ازل تا ابد. (معین، ج ۲، ۲۶۸۵).

نسوی در رابطه با قضا و قدر الهی، اعتقاد بر چیرگی تقدیر دارد. به طوری که همه موجودات این جهان چنانچه اراده‌ای داشته باشند، در طول اراده خداوندی است.

قضای بد دیده باریک‌بین را تاریک گردانید، و تقدیر آسمانی پرده غفلت و رای و بصیرت فرو گذاشت، تا جاده مصلحت، که کوران بدان راه برند، بر اهل بصیرت بپوشانید، و از شیوه تحفظ، که ستوران در بقای نوع آن رعایت واجب شمرند، چندین هزار عاقل را غافل گردانید. (۱۷)

در جایی دیگر می‌گوید:

«خواستم که از شکایت بخت افتان و خیزان، که هرگز کام مراد شیرین نکرد، تا هزار شربت ناخوش- مذاق در پی نداد، و سهمی از اقسام آرزو نصیب دل نگردانید، که هزار تیر مصائب بجگر نرسانید، فصلی چند بنویسم. (زیدری نسوی، ۱۳۸۱: ۴).

نشانه‌شناسی یاد مرگ

مفهوم «مرگ» از مفاهیمی است که همواره اندیشه‌آدمیان را به خود مشغول داشته است و سخن هیچ یک از سخن‌سرایان فارسی از این مقوله خالی نیست. اهمیت این مفهوم آنقدر زیاد است که به عنوان یکی از مهم‌ترین قسمت‌های فرهنگ انسان-ها محسوب می‌شود.

یکی دیگر از مضامینی که زیدری در این اثر به وصف آن پرداخته، موضوع مرگ است. نویسندگان و شاعران بی‌شماری درباره مرگ داد سخن داده‌اند، اما اندیشه محمد منشی زیدری در این باب جالب است. او از مرگ هراسی ندارد و همه جا عنوان نموده که مرگ حق است و راه‌گریزی از آن نیست. او می‌گوید:

«چون خدنگ مرگ هر آینه بر جان خودنی است آن به که خود را نشانه عار و ننگ نگردانی، چه می‌دانی که در این رباط خراب اگر بسیار بمانی-نمانی و در هیچ حساب نی که سالی چند می باید زیست.» (زیدری، ۱۳۸۱: ۸۷).

وی در توصیف غفلت و بر باد رفتن پادشاهی که به دست مغول با حسرت و دلی پر خون، اما با زبانی شعرگونه و متجانس می‌گوید: «به نعمات خسروانی از نعمات خسروانه متغافل شده و به ا تار ملاحی از اوطار پادشاهی متشاغل گشته، سرود رود درود سلطنت او می داد و او غافل» (همان، ۱۸).

نشانه‌شناسی بلاغی (متنی) در نفثه المصدور

نشانه‌شناسی در ادبیات وارد مباحث بلاغی نیز شده است و نشانه‌شناسانی چون رومن یاکوبسون، امبرتو اکو، لیکاف و جانسون از این منظر به ادبیات پرداخته‌اند

بیشتر نشانه‌شناسان معاصر مطالعه فنون بلاغی را یا دست کم برخی ویژگی‌های آنها را در قلمرو نشانه‌شناسی می‌دانند. در نیمه دوم قرن بیستم صنایع بلاغی دوباره مورد توجه ساخت‌گرایانی چون لویی استروس و یاکوبسن، و پس‌اساختارگرایانی چون دریدا و لاکان و شناخت‌شناسانی چون لیکاف و جانسون قرار گرفت. این حرکت در تقابلی بنیادی با رویکرد ابژکتیویستی به زبان قرار دارد که در نیمه دوم قرن هفدهم و در جهت، به اصطلاح، تثبیت کارکرد علمی زبان شکل گرفت. ویژگی اصلی این گرایش نظری معاصر آن است که نشان دهد صورت‌های بلاغی نقش ژرف و انکارناپذیری در شکل دادن به واقعیت‌ها دارند. و زبان رسانه خنثی نیست. (سجودی، ۱۳۹۵: ۵۲).

نشانه‌های ادبی از تنوع زیادی برخوردارند که از مهمترین آنها می‌توان به تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و نماد اشاره کرد.

تشبیه

تشبیه مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر این که آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۶۸). تشبیه در لغت، مانده کردن چیزی است به چیزی دیگر در یک یا چند صفت؛ اما در اصطلاح علم بیان، تشبیه ادعای همانندی و اشتراک چیزی است به چیز دیگر در یک یا چند صفت. (علوی‌مقدم، ۱۳۹۰: ۸۵).

زیدری نسوی در متن «نفثه المصدور» تشبیهات زیبایی به کار برده است کخ به دلیل زودیاب بودن تشبیهات، از نوع تشبیهات قریب محسوب می‌گردند که به برخی از آنها در این مختصر اشاره می‌گردد:

- تدبیر در میدان تقدیر چون گوی سرگردان شده. (زیدری، ۲) مشبه: تقدیر/ مشبه به: گوی سرگردان.

- حرامیان جهت آن حرام ریزه در مکانم عقاب، عقاب گرسنه. (زیدری، ۱۱). مشبه: حرامیان در مکانم عقاب/ مشبه به: عقاب گرسنه.

- خورشید چون کلاه گوشه «نوشیروان» از کوه، شه وار طلوع کرد. مهر چون ورق «بزرجمهر» از مطلع شرقی بتافت. زاهد پگاه خیز صبح، بر قسیس سیاه گلیم شب استیلا یافت. (زیدری، ۴۲). مشبه: خورشید/ مشبه به: کلاه گوشه نوشیروان/ مشبه به دوم: مهر/ مشبه به: ورق بزرجمهر/ مشبه به سوم: صبح/ مشبه به: زاهد پگاه خیز/ مشبه چهارم: شب/ مشبه به: قسیس سیاه/ وجه شبه: سیاهی.

- قالب مسکین که مسکن روح نازنین است. (زیدری، ۵۳). مشبه: قالب مسکین (جسم آدمی)/ مشبه به: مسکن (خانه)

استعاره

استعاره در لغت مصدر باب استفعال است یعنی به عاریه خواستن لغتی را به جای لغت دیگری. استعاره بزرگترین کشف هنرمند و عالی‌ترین امکانات در حیطه‌ی زبان هنری است. استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی در کلام است. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۶۰). «استعاره تشبیهی است که یکی از دو سوی آن ذکر نشود و به عبارت دیگر استعمال واژه‌های در معنی مجازی آن است به واسطه همانندی و پیوند مشابهتی که با معنی حقیقی دارد.» (تجلیل، ۱۳۷۰: ۶۳).

- عقاب عقاب در شتاب و مجلس اعلا در شراب، نهنگ‌جان شکر در آهنگ و ایشان در نوا و آهنگ. (زیدری، ۴۱). نهنگ جان شکر: استعاره از مرگ است.

- عروس‌شام، جهاز زر از طاقچه‌های آسمان درهم چید. (زیدری، ۴۲). جهاز زر: استعاره از ستارگان.

- صندوق استخوان را که ایوان کسری روح است. (زیدری، ۵۵). صندوق استخوان: استعاره از جسم آدمی است.

- در این رباط خراب- اگر بسیار بمانی- نمایی. (زیدری، ۸۷). رباط خراب: استعاره از دنیا است.

- عنقای روح از عین این عاریت خانه به قاف عقبی می‌رود، حمام سدره نشین، از قفص تنگ قالب، به برج اصلی می‌پرد. (زیدری، ۹۰). حمام سدره‌نشین: استعاره از روح آدمی است. قفص تنگ قالب: استعاره از جسم انسان است. عاریت‌خانه: استعاره از جسم است. برج اصلی: استعاره از عالم ملکوت.

مجاز

«مجاز شیوه‌ای است دیگر در باز نمود اندیشه‌ی شاعرانه، ترفند نغز دیگری است که سخنور، به آهنگ فریفتن و در دام افکندن سخن دوست، در ادب به کار می‌گیرد» (کزازی، ۱۴۰۰: ۱۳۷۰) «مجاز تفسیر بی منطقی زبان است، بحث مجاز آن جا پیش می‌آید که زبان از منطق خارج می‌شود و کلمه در غیر معنی حقیقی خود به کار می‌رود. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۶۱)

- که با وجود ایشان تمنی آسایش آن جا که عقل است، عقل نیست. (زیدری، ۱۲). عقل مجازا عاقلانه

- چون سپیده کار چادر قیری از روی جهان درکشید. (زیدری، ۴۱) سپیدکار: مجازا سیاه کار و بی شرم

- تا این بزرگ! به منصب بنشست، قیامت برخاست (زیدری، ۸۲). بزرگ در این عبارت مجازا یعنی کوچک

کنایه

«کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد.» (همایی، ۱۳۷۳: ۲۵۵) کنایه یکی از صورت‌های بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است کنایه دوری از تصریح به چیزی است با آوردن مساوی آن چیز از نظر ملازمت، تا شنونده به ملزوم آن منتقل شود. (کدکنی، ۱۳۵۰: ۱۰۹)

- مهرة اجل در ششدره سوء الحظ افتاده. (زیدری، ۵) در ششدره افتادن: کنایه از عاجز و در مانده شدن و در تنگنا افتادن است.

- پشت دست می‌خاییده (زیدری، ۱۰). پشت دست خاییدن: کنایه از ندامت و پشیمانی.
- کتابت که کنایت از آن در آن سر وقت، آهن سرد کوفتن بود. (زیدری، ۵۱). آهن سرد کوفتن: کنایه از کار بیهوده و عبث کردن است.
- همه شب عطارد را آزرده بودم. (زیدری، ۵۱). عطارد را آزردن: کنایه از مهارت و استادی در نویسندگی از خود نشان دادن.
- دندان دندان تیز کرده، به اموال ایشان متمول و متجمل شدند. (زیدری، ۸۲). دندان تیز کردن: کنایه از طمع بستن است.
- بدین قله که می‌بینی، تیز رکابانند، که در چابکی موی از سر می‌ربایند. (زیدری، ۱۰۷). موی از سر ربودن: کنایه از نهایت چابکی و تردستی.
- اگر قلم در نام آن که نامم نمی‌برد نتوانم کشید و لکل عمل رجال. (زیدری، ۱۱۹). قلم بر نام کسی کشیدن: کنایه از برنام کسی خط بطلان کشیدن و کسی را از یاد بردن است.

نتیجه‌گیری

نشانه‌شناسی به عنوان دانشی که به ساز و کار تولید معنا در متون می‌پردازد، با تحقیقات سوسور در زبان‌شناسی مطرح گردید. سوسور زبان را مهم‌ترین نظام نشانه‌ای دانست و کار نشانه‌شناسی را معلوم کردن قوانین حاکم بر نشانه‌ها دانست. نفثه المصدور نسوی کتایی اجتماعی است که نویسنده آن با بهره‌گیری از اوضاع نابسامان زمانه خود دست به نوشتن آن زده است تا از این طریق بتواند تصویری از جامعه خود به دست دهد. وی در این اثر از تصویرگری از نشانه‌های اجتماعی و ادبی بهره گرفته تا بهتر بتواند به تفهیم ما در شناساندن شخصیت‌ها و تصویر وضعیت خفقان روزگار خود کمک کند.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، بابک. (۱۳۷۱). از نشانه‌های تصویری تا متن، چاپ اول، تهران، مرکز.
۲. تجلیل، جلیل. (۱۳۷۰). **معانی و بیان**، چاپ پنجم، تهران: نشر دانشگاهی.
۳. خوانساری، محمد. (۱۳۵۹). منطق صوری، چاپ دوم، تهران، آگاه.
۴. چندلر، دانیل. (۱۳۹۷). مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، چاپ سوم، تهران: انتشارات سوره مهر.
۵. چایلی، صمد. (۱۳۸۴). هویت و زبان، چاپ اول، تبریز: انتشارات اختر.
۶. دینه سن، آنه ماری. (۱۳۸۹). درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه مظفر قهرمان، آبادان: نشر پرسش.
۷. زیدری نسوی، شهاب الدین محمد خرنذی. (۱۳۸۱). نفثه المصدر، مصحح امیرحسین یزدگردی، تهران: انتشارات توس.
۸. سجودی، فرزانه. (۱۳۹۵). نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: نشر علم.
۹. سوسور، فردینان. (۱۳۷۸). دوره زبان‌شناسی عمومی، مترجم کورش صفوی، چاپ اول، تهران، هرمس.
۱۰. شمیسا، سیروس، (۱۳۹۰). **بیان**، تهران: انتشارات میترا.
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۰). **صور خیال در شعر فارسی**، تهران: انتشارات فاروس ایران.
۱۲. علوی مقدم، محمد، اشرف زاده، رضا، (۱۳۹۰). **معانی و بیان**، چاپ دهم، تهران: سمت.
۱۳. کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۰). **زیباشناسی سخن پارسی**، چاپ دوم، تهران: مرکز.
۱۴. گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۰). نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، چاپ اول، تهران: آگاه.
۱۵. مظفر، محمدرضا، ۱۴۰۴. ق، منطق، چاپ اول، تهران، حکمت.
۱۶. محسنیان راد، مهدی. (۱۳۸۴). ارتباط‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: نشر سروش.
۱۷. مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۴). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مترجمان مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ اول، تهران، آگاه.
۱۸. مهاجر، مهران، ونبوی، محمد. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر، چاپ اول، تهران، مرکز.
۱۹. معین، محمد (۱۳۷۵)، **فرهنگ فارسی**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۰. همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۳). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، چاپ نهم، تهران: نشر هما.

-Castle Gregory, **The blackwell guide to literary theory**, Oxford, UK, Blackwell, 2007.

-Lambropoulos, Vassilis & Miller, David Neal, **Twentieth century literary theory : An Introductory anthology Intersections**, USA, New York, University of New York Press – 1987.

Anderson, S.J and Ling, P.P. (2006), "Every Document and Picture Tells a Story", *Tob Control*, vol 15. pp 254-261. USA

A Review of the Semiotic Criticism of Naftha al-Masdur with an Emphasis on Social and Rhetorical Semiotics

Nasrin Qalavand

PhD Student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Dezful

Abstract

Semiotics is the study of sign systems. The function of this science is to enrich the reading or help the secondary reading of the text; Because it provides the reader with a rich tool through which one can enter the internal contexts or different structures of a text. Semiotics is the systematic study of language by examining signs and it deals with the signification of signs and their use. Naftha al-Masdur is the book of the writer's heart-wrenching words or "strange hairs" of the poet Shurbakht Sieruzi, who wrote the most beautiful poetic prose in the 7th century, which is full of tenderness and thin imagination, without intending to write poetry. And know that after seven centuries there will be people who will write poetry in the same way that he wrote his heartwarming prose. In this article, which is done with descriptive and analytical method and based on library studies, we intend to explain the social and rhetorical signs in Naftha al-Masdur by Shahabuddin Mohammad Khorandezi Nasavi. At first, we will give a brief overview of the definitions of semiotics and its function, and then we will discuss the main topic.

Keywords: Critique of Semiotics, Social Semiotics, Rhetorical Semiotics, Naftha al-Masdur, Zaydari
